راهبرد روسیه در قبال نقش جمهوری اسلامی ایران در معادلات سیاسی سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی و سناریوهای آینده

محمد ناصحی[[1]](#footnote-1)

مهناز گودرزی[[2]](#footnote-2)

چکیده

بعد نظامی بحران داخلی سوریه که از سال 2011 شروع شده، با بازپس­گیری اغلب نواحی اشغال شده توسط دولت قانونی بشار اسد و محاصره نیروهای معارض در استان ادلب رو به پایان است. در این میان شهادت سردار سلیمانی، فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بازوی پیشبرد راهبردهای منطقه­ای جمهوری اسلامی ایران در سوم ژانویه 2020 در نزدیکی فرودگاه بغداد، معادلات نظامی\_سیاسی ایران در منطقه به ویژه در حوزه سوریه را تا حدی دگرگون کرد. خلا موقتی در فرماندهی بازوی برون مرزی راهبردهای منطقه­ای ایران در میانه رقابت قدرت­های منطقه­ای و بین­المللی در بحران سوریه به همراه فشار ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران موجب شد تا رقبای ایران به این ادراک برسند که شرایط برای حذف یا تقلیل سهم ایران از آینده سیاسی سوریه فراهم شده است. در همین راستا ولادیمیر پوتین(ریاست جمهوری روسیه) در تاریخ هفتم ژانویه 2020 سفری از پیش اعلام نشده به سوریه داشت و طی آن با بشار اسد دیدار نمود و درخصوص نقش روسیه در آزادسازی مناطق اشغالی از دست تروریست­های تکفیری داعش گفتگو کرد.

نزدیکی تاریخ دیدار پوتین از دمشق پس از به شهادت رسیدن سردار سلیمانی و توجه به رویکرد واقع گرایانه مسکو در سیاست خارجی، حاکی از تلاش این متحد ایران در راستای بهره جستن از خلاء سردار سلیمانی به عنوان مهمترین چهره سیاسی\_امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، جهت تضعیف مقاومت در سوریه و کاهش حضور آن­ها در خاک این سوریه در آستانه ورود بحران از مرحله نظامی به مرحله سیاسی است. در مقاله حاضر راهبردهای روسیه در قبال نقش ایران در آینده سیاسی سوریه با تکیه بر نظریات نورئالیسم با استفاده از منابع کتابخانه­ای و مبتنی بر روش تحقیق توصیفی\_تبیینی، بررسی و سناریوهای محتمل پیش روی این راهبرد در نبود سردار سلیمانی تحلیل می­شود.

**واژگان کلیدی:** **سردار سلیمانی، روسیه، سوریه، راهبرد، سناریوهای آینده**

**Russia's strategy towards the role of the Islamic Republic of Iran in the Syrian political equation after the martyrdom of Sardar Soleimani and next scenarios**

**Mohammad Nasehi**

**Mahnaz Goodarzi**

**Abstract**

The military dimension of the Syrian internal crisis, which began in 2011, is coming its end with the recapture of most of the areas occupied by the legitimate government of Bashar al-Assad and the siege of opposition forces in Idlib province. Meanwhile, the martyrdom of Sardar Soleimani, commander of the Quds Force of the Islamic Revolutionary Guard Corps and the arm of advancing the regional strategies of the Islamic Republic of Iran on January 3, 2020 near Baghdad Airport, changed Iran's military-political equations in the region, especially in Syria. A transient emptiness in the command of the overseas arm of Iran's regional strategies amid rivalry between regional and international powers in the Syrian crisis, along with US and Zionist pressure on the Islamic Republic of Iran, led Iran's rivals to think that conditions are in place to eliminate or reduce Iran's share of future politicalof Syria's. In this regard, Russian President Vladimir Putin had an undeclared visit of Syria on January 7, 2020, during which he met Bashar al-Assad to discuss Russia's role in immuning the occupied territories from the takfiri terrorists of ISIL.

The proximity of Putin's visit date to Damascus after the martyrdom of Sardar Soleimani and the attention to Moscow's realistic approach to foreign policy, indicates the efforts of this allied of Iran to take advantage of the lack of Sardar Soleimani as the most important political-security figure of the Islamic Republic, the weakening of the resistance in Syria and the reduction of their presence on Syrian soil is on the verge of entering the crisis from the military to the political stage. In the present paper, Russia's strategies towards Iran's role in the political future of Syria are analyzed based on theories of neorealism using library sources and based on descriptive descriptive research, analysis and possible scenarios for this strategy in the absence of Sardar Soleimani.

**Keywords: Sardar Soleimani, Russia, Syria, strategy, next scenarios**

**1\_مقدمه**

سردار سرتیپ قاسم سلیمانی از جمله فرماندهان استراتژیست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که در سال 1367 از طرف مقام معظم رهبری به فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد. ایشان طی 22 سال فرماندهی نیروی قدس توانسته بود با غالب جریان­های سیاسی غرب آسیا ارتباط نزدیک برقرار نماید و در مواردی ارتباطات ایشان در سطوح رسمی و بین­المللی نیز ادامه داشت(Debinski, 2020: 1) که در این راستا می­توان به دیدارهای مکرر ایشان با مقامات نظامی و سیاسی کشورهای محور مقاومت و همچنین سفر ایشان به روسیه در سال 2015 جهت ترغیب ریاست جمهوری روسیه به ورود نظامی به بحران روسیه اشاره کرد(Perry& Bassam, 2015: 2).

راهبرد اصلی سردار سلیمانی در سوریه، حفظ این کشور در مدار مقاومت و ایجاد کریدور «تهران\_بغداد\_دمشق\_بیروت» جهت تقویت مقاومت در منطقه و تکمیل کمربند محاصره رژیم صهیونیستی بود. در همین راستا نیز نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از اولین نیروهایی بود که با بروز بحران به حمایت از نظام سوریه وارد شد. بسیاری از تحلیلگران ورود نیروی هوایی روسیه به جنگ داخلی سوریه در سال 2015 را محصول تلاش­های سردار سلیمانی و رایزنی­های ایشان با رهبران کرملین می­دانند.

در شرایط کنونی، در بحران سوریه به جز دولت بشار اسد و ارتش این کشور، نیروهای نظامی روسیه و همچنین متحدان نظامی ایران نیز حضور دارند و در هماهنگی با یکدیگر علیه تروریست­های تکفیری مبارزه می­کنند. ابتکار عمل نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی ایران تا پیش از سوم ژانویه 2020 در اختیار سردار سلیمانی بود(دویچه وله، 2020: 2). بنابراین به شهادت رسیدن سردار سلیمانی در نزدیکی فرودگاه بغداد از سوی نیروهای آمریکایی، بستر­ساز آسیب جدی به مقاومت و نیروهای نظامی متحد ایران در سوریه خواهد بود.

سفر غیرمنتظره ولادیمیر پوتین به سوریه به فاصله کمی پس از شهادت سردار سلیمانی(هفتم ژانویه 2020) و تاکید بر نقش نیروهای روسی در بازگرداندن امنیت به سوریه، رویدادی است که در پرتو نبود مهمترین کارگزار نفوذ منطقه­ای ایران در منطقه، می­تواند تلاش روسیه برای سوء استفاده از موقعیت حادث شده و تضعیف جایگاه ایران در سوریه در دوران تثبیت تعبیر شود(Aharonson & Mansour, 2020: 3).

سفر پوتین به شهر دمشق در هفتم ژانویه 2020 در حالی صورت می­پذیرد که سفر قبلی وی در سال 2017 محدود به پایگاه نظامی حیمیم در استان لاذقیه بوده در حالی که براساس اعلام کرملین این­بار وی به دیدار اماکن تاریخی دمشق نیز رفته است یعنی در خیابان­های شهری جنگ­زده و درگیر آشوب قدم زده است(الجزیره، 2020: 1). در ادامه به آینده جایگاه ایران در سوریه با توجه به تحولات یاد شده پرداخته می­شود.

**2\_چارچوب نظری**

نویسندگان این مقاله بر آن هستند که سیاست خارجی روسیه در قبال سوریه را می­توان براساس نظریه نوواقع­گرایی تبیین نمود. نظریه نوواقع گرایی یا واقع­گرایی ساختاری[[3]](#footnote-3) در اواخر 1970 در واکنش به رفتارگرایی و برای علمی کردن واقع گرایی توسط کنت والتز[[4]](#footnote-4) در کتاب «نظریه سیاست بین الملل» طرح شد. این نظریه، خوانشی جدید از واقع گرایی کلاسیک ارائه می­دهد که طی آن دولت و قدرت مفاهیم محوری هستند البته نقطه ثقل این نظریه تمرکز بر ساختار نظام بین المللی دولت­ها است(شهرکی و همکاران، 1398: 49).

ساختار نظام بین‌الملل مطابق نظر والتز، شکل‌دهنده سیاست بین‌الملل بوده و خود را بر واحدها تحمیل می‌نماید. ساختار نظام بین‌الملل به تعریف والتز نه‌تنها بر رفتار دولت‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه از طریق تحمیل محدودیت‌هایی بر رفتار دولت‌ها، مناسبات بین‌المللی را شکل می‌دهد. بدین ترتیب تغییر رفتار دولت‌ها و همچنین الگوهای رفتاری بین‌المللی تحت تاثیر ساختار نظام بین‌الملل امری حتمی است(حاجی یوسفی،36:1392).

والتز معتقد است؛ «واحدهای اجتماعی تحت تأثیر ساختار نظام‌هایی هستند که بخشی از آن محسوب می‌شوند، بنابراین در مورد سیاست بین‌الملل، کشورها آزادی عمل مطلق برای انجام هر کاری را ندارند، اگر کشورها فراتر از محدودیت‌های ایجادشده از سوی ساختار نظام گام بردارند با واکنش سیستمیک مواجه خواهند شد». در واقع، والتز قصد دارد نشان دهد که چگونه ساختار نظام بر تعامل واحدها و تعامل واحدها بر ساختار تأثیر می‌گذارد، به‌عبارتی‌دیگر ساختار نظام بین­الملل، کشورها را ناگزیر به انجام اقداماتی می‌کند که باعث بازتولید همین ساختار می‌شوند(لیتل،30:1389). از منظر والتز سه عنصر تعیین کننده ساختارهای سیاسی به شرح زیر هستند:

**الف.** اصل سامان بخش؛ به معنی اقتدارگریزی یا سلسله مراتبی

**ب.**کارویژه واحدها، به معنی کارکردهای مشابه یا تنوع کارکردی. در این راستا، اصل خودیاری به مثابه کارکرد مشابه واحدها و به عنوان رفتاری منطقی برای بقا در نظام بین­المللی اقتدارگریز یا به عبارت دیگرآنارشیک محسوب می شود.

**پ.** توزیع توانمندی­ها میان واحدها(ویلیامز، 1392: 57).

ساختار آنارشیک مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده سیاست بین‌الملل و رفتار کشورها است. ازنظر والتز آنارشی، اصل اساسی و تغییرناپذیر حاکم بر روابط بین‌الملل است و تا وقتی حکومت جهانی تشکیل نشود، سیاست بین‌الملل حوزه‌ای آنارشیک باقی خواهد ماند. تا زمانی هم که آنارشی حاکم باشد، واحدها و کار ویژه‌های آن‌ها ثابت باقی خواهد ماند(دهشیری و گلستان،7:1395). در ساختار آنارشیک دولت ها از موقعیت نسبی خود در مقابل سایر دولت­ها نگران هستند، در نتیجه آنها نسبت به هزینه­ها حساس می­شوند، به عبارت دیگر دولت ها رفتارهای امنیتی خود را بر تحلیل هزینه فایده استوار می­سازند(هنسن و همکاران، 1392: 40). به اختصار می­توان عنوان کرد که ساختار آنارشیک نظام بین الملل سه الگوی رفتاری را برای دولت­ها در حوزه روابط بین الملل و سیاست خارجی ایجاب و اجتناب ناپذیر می­کند؛

اول اینکه آنارشی باعث بی­اعتمادی و سوء ظن دولت­ها می­شود و به دلیل عدم وجود مرجع قانونی و داور نهایی در نظام بین­الملل، دولت­ها برای حفظ موجودیت خود نسبت به یکدیگر بی­اعتماد می­شوند، در نتیجه احساس ترس و نگرانی آنها را به امنیت طلبی در سیاست خارجی وا می­دارد.

دوم اینکه مهمترین هدف دولت­ها در چنین نظامی، تامین امنیت و بقا است، در نتیجه دولت­ها بقاء خود را از طریق خودیاری تضمین می­نمایند. هر دولت به تنهایی باید بتواند امنیت خود را تضمین کند چرا که اتحادها و پیمان­ها پایدار نیستند.

سوم اینکه قدرت هدف دولت­ها نیست بلکه قدرت ابزاری است برای تامین امنیت کشورها، در نتیجه دولت­ها در پی کسب، حفظ و افزایش قدرت هستند که بر حسب مقدورات و توانمندی­های مادی نظامی و اقتصادی بازشناسی می­شود. هرچه قدرت کشوری بیشتر باشد، می­تواند ضریب امنیتی بیشتری را تامین کند(دهقانی فیروزآبادی، 1391: 35-36).

براساس آنچه مطرح شد رفتار روسیه در قبال سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی مبتنی بر اصول نوواقع گرایی بررسی و تحلیل می­شود. این کشور در بحران سوریه سعی دارد امنیت حوزه پیرامونی خود را حفظ نماید. بعد از بحران لیبی این نگرانی در میان رهبران کرملین وجود دارد که ممکن است توسط رقیب خود از منطقه مدیترانه اخراج شوند، بدین ترتیب بازیگران دخیل در این بحران، هرگونه تلاش در جهت تامین امنیت خود را از سوی طرف دیگر تهدید می دانند که این امر از آنارشیک بودن نظام بین الملل که نو واقع گرایان بر آن تاکید دارند نشات می گیرد(شهرکی و همکاران، 1398: 49).

منطقه غرب آسیا به دلیل موقعیت ژئوپلتیکی، امنیت انرژی، صادرات تسلیحات و همچنین مقابله با ریشه­های افراطی­گری مذهبی(که می­تواند بر مسلمانان روسیه تاثیر بگذارد) جایگاه حائز اهمیتی در سیاست خارجی روسیه داشته است. فروپاشی اتخاد جماهیر شوروی و وضعیت آشفته سیاست خارجی مسکو در دوران ریاست جمهوری یلستین، وجه غرب آسیایی سیاست خارجی روسیه را تضعیف کرد(کیانی و خان محمدی، 1396: 95).

قدرت گرفتن ولادیمیر پوتین با رویکرد اوراسیاگرایی ملهم از اندیشه­های الکساندر دوگین(کولایی و عابدی، 1397: 131\_149) در کرملین و تاکید وی بر احیای روسیه به عنوان قدرت بزرگ جهانی، یک بار دیگر منطقه غرب آسیا را در دستگاه سیاست خارجی روسیه برجسته کرد(شاد، 1396: 68\_78). در تحلیل موضع گیری روسیه در قبال تحولات سوریه باید دو عامل را بازشناسی کرد:

**الف. عامل ژئواستراتژیک؛** به معنای دستیابی روسیه به موقعیت مناسب برای مدیریت نظامی حوزه مدیترانه است. روسیه پس از تحولات موسوم به بیداری اسلامی، با تضعیف مواضع خود در شمال آفریقا به ویژه در لیبی و همچنین در شمال مدیترانه در منطقه بالکان روبرو بوده است بنابراین می­بایست بتواند سوریه را در این منطقه به عنوان پایگاه خود حفظ نماید. در واقع سوریه به عنوان یکی از اضلاع قدرت مسکو در مدیترانه به شمار می­آید. تقویت ناوگان دریای روسیه در بندر طرطوس نیز در همنی راستا صورت پذیرفته است(کولایی و عابدی، 1397: 167\_168).

**ب. تضعیف رادیکالیسم تکفیری؛** روسیه همواره با چالش جریان­های رادیکال اسلامی در منطقه قفقاز و چچن روبرو بوده است. به همین دلیل، تقویت رادیکالیسم تکفیری در غرب آسیا به ویژه در سوریه را تهدیدی برای امنیت ملی خود تلقی می­نماید و تلاش دارد این جریان را از سوریه با هزینه کمتر خنثی کند. مسکو با حمایت از دولت قانونی سوریه، خاکریز مواجهه با رادیکالیسم تکفیری را از داخل سرزمین­های خود به منطقه غرب آسیا تغییر داده است(حیدر پور و همکاران، 1397: 146).

همانگونه که آمد، سیاست خارجی روسیه در قبال سوریه و جمهوری اسلامی ایران بر مفروضات نورئالیستی استوار شده است، به این معنا مسکو بر بازی با حاصل جمع صفر، تلاش برای نفوذ بین دولت­ها به جای همکاری، موقعیت جغرافیایی، توجه به اهمیت ژئوپلتیک، تفاوت­های فرهنگی و بازنشانی خود به به عنوان قدرتی بین­المللی در برابر غرب تاکید می­نماید تا با استفاده ابزاری از سیاست خارجی، چالش­های درونی به ویژه در شرایط افول اقتصادی و افزایش تهدیدات داخلی را ترمیم نماید و در این راستا ممکن است در پی محدود کردن متحدان خود را نیز باشد(شهرکی و همکاران، 1398: 54). مبتنی بر چارچوب نظری ارائه شده در ادامه به وضعیت شناسی نقش سوریه و ایران در بحران داخلی سوریه و راهبرد مسکو در قبال ایران در تحولات آینده سوریه پرداخته می­شود.

**3\_ نقش روسیه و جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه**

از ابتدای شکل­گیری جنگ داخلی در سوریه در سال 2011، دولت­های روسیه و جمهوری اسلامی ایران به عنوان متحدان دولت قانونی این کشور، درگیر بحران شدند و هریک براساس اهداف و منافع ملی خود، به­گونه­ای مانع از فروپاشی نظام سیاسی این کشور شدند.

**3\_1\_نقش لجستیکی و مستشاری ایران**

روسیه به تنهایی قادر به پیروزی در سوریه نبود چرا که شرکت­های خصوصی روسیه ضعیف بودند و نیروی هوایی نیز به تنهایی قادر به شکست نیروهای داعش با راهبرد جنگ چریکی نبودند(Menon & Spitzer, 2019: 4). بنابراین نیروی زمینی ایران و حزب الله لبنان و همچنین بسیجی که ایران با جذب نیروهای شیعه فاطمیون و زینبیون ایجاد کرد، به پیروزی بر داعش کمک کرد. مسائلی که توسط سردار سلیمانی و سردار همدانی طراحی و اجرا شد و موجب می­شد آینده سوریه به مقاومت وابسته بماند(همان). در سال 2015 و با بالا گرفتن تلفات دولت سوریه و پیشروی نیروهای تکفیری، با حمایت ایران، نیروهای مقاومت لبنان و حشدالشعبی عراق نیز وارد سوریه شده و در نزدیکی جولان مستقر شدند.

**3\_2\_نقش غیرمستقیم و لجستیکی روسیه**

روسیه به عنوان کشوری که سوریه را حیطه نفوذ سنتی خود و مهمترین پایگاه باقیمانده در منطقه غرب آسیا پس از، از دست رفتن لیبی می­دانست از نفوذ خود بر حزب بعث و ساختار ارتش این کشور برای ورود به بحران استفاده کرد. البته کمک­های نظامی روسیه ابتدا در سطح مستشاری و لجستیکی بود.

در اواخر سال 2011 نیروهای روس برای عبور از بحران، راهکار تشکیل چندین واحد جدید برای انجام عملیات­های خاص را از میان افسران ارتش، نیروهای ذخیره و سربازان وظیفه سوری مطرح ساختند که به ایجاد سپاه چهارم، پنجم و ششم ارتش انجامید اما در عمل کارایی چندانی نداشت و در سطح انجام عملیات­های محدود در مناطق خاصی از سوریه باقی ماند.

از اوایل سال 2012 و با وخیم­تر شدن اوضاع جنگ داخلی، استراتژیست­های روسیه تصمیم به ورود نیروهای نظامی خارجی به نفع بشار اسد کردند و در همین راستا، دولت این کشور لایحه قانونی کردن شرکت­های امنیتی خصوصی را به «دوما» فرستاد اما دوما آن را مغایر قانون اساسی تشخیص داد. در نهایت دولت روسیه بدون مجوز مجلس این کشور نیروهای خارجی را در قالب شرکت­های امنیتی خصوصی، وارد سوریه نمود که در عملیات­های مهم به صورت محدود در کنار ارتش سوریه مشارکت داشته باشند.

**3\_3\_حضور نیروی هوایی روسیه در بحران سوریه**

هیچکدام از موارد فوق نتوانست تغییر چشمگیری در موازنه میدانی به وجود آورد بنابراین از سال 2015 روسیه به شکل رسمی با بمباران مواضع دولت اسلامی عراق و شام، مرحله دیگری از ورود به بحران سوریه را که جنگ هوایی بود در پیش گرفت و کنترل فرماندهی عملیات را در دست گرفت. شایان ذکر است این تحول در نتیجه رایزنی­های سردار سلیمانی با مقامات ارشد روسیه و ادراک­سازی درخصوص تهدید سقوط دولت قانونی سوریه صورت پذیرفته است. در سال 2015 حدود 63.000 نظامی روسی در جنگ داخلی سوریه حضور داشته­اند و در حال حاضر تخمین زده می­شود 5.000 نظامی و پیمانکار امنیتی خصوصی روس در این کشور حاضر باشند(Peck, 2020: 2).

لازم به ذکر است، حضور روسیه در بحران سوریه با تمرکز بر ساختار ارتش رسمی این کشور انجام پذیرفته در حالی که نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی ایران در قالب نیروهای کمکی وارد سوریه شده­اند و به دلایل متعددی از جمله مخالفت روسیه و حزب بعث، تلاش­ها برای قانونی کردن نیروهای متحد ایران در چارچوب نیروهای رسمی سوریه نظیر آنچه درخصوص حشدالشعبی در عراق انجام گرفت، به نتیجه نرسید. همین مسئله حاکی از راهبرد کلان روسیه جهت خروج نیروهای ایرانی و وابسته به ایران پس از پایان جنگ داخلی از سوریه داشته است که موضع­گیری روسیه مبنی بر لزوم خروج نیروهای خارجی از خاک سوریه نیز در همین راستا بوده است.

اضمحلال داعش در سوریه و اعلام تشکیل گردان­های آزادی جولان و تجمع نیروهای مقاومت وابسته به ایران در نزدیکی جولان در سال 2017 که با نگرانی رژیم صهیونیستی همراه بود، موجب شد نخست­وزیر رژیم صهیونیستی سفرهای مکرری به مسکو و واشنگتن داشته باشد و در نهایت با موافقت روسیه، طرح خروج نیروهای ایرانی به اجرا درآمد(Peck, 2020: 3). اولین گام اجرای این طرح، ایجاد مناطق کاهش تنش در سوریه به ویژه در جنوب این کشور در اطراف جولان بود که روسیه مجری اصلی آن بود.

در طرح مذکور سوریه رهبری مذاکرات با معارضان را برعهده گرفت و با خلع سلاح آن­ها، از تنش­های مسلحانه کاست. در نتیجه وضعیت اضطرار که حضور نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی ایران را ضروری می­ساخت بر طرف شده و به این ترتیب به ایران فشار وارد می­شد که نیروها و پایگاه­های خود را از این مناطق دور نماید. در این بین حملات گاه و بیگاه رژیم صهیونیستی علیه مواضع نیروهای ایرانی مانند سقوط پهپادهای شناسایی ایرانی و همچنین حمله به سایت پهپادی تی\_4 بر شدت فشارها جهت خروج ایران می­افزود. در حال حاضر نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی ایران در نوار شرقی سوریه در نزدیکی مرز این کشور با عراق مستقر هستند که البته این موضوع مورد اعتراض آمریکا و همچنین رژیم صهیونیستی است(Gross, 2019: 2).

**4\_اهداف روسیه در پرونده سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی**

اهداف روسیه در پرونده سوریه به شرح زیر است:

**4\_1\_سطح منطقه­ای**

اهداف سفر پوتین به سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی در سطح منطقه­ای به شرح زیر است:

**4\_1\_1\_ کاهش نقش ایران در آینده سوریه**

بحران سوریه مراحل نهایی نظامی را طی می­کند و پس از پایان عملیات آزادسازی ادلب، عملا دولت سوریه موفق شده حاکمیت خود را بر بخش­های وسیعی از مرزهای 2011 م. احیا کند. مذاکرات سیاسی بین طرفین آغاز شده که نمونه آن مذاکرات آستانه و همچنین مذاکرات تدوین قانون اساسی سوریه است. بنابراین طبیعی است که اتحاد ایران و روسیه در پرونده سوریه تضعیف شود و رقابت جهت کسب نفوذ بیشتر در آینده سوریه تشدید شود.

در چنین فضایی شهادت سردار سلیمانی، این امکان را برای روسیه فراهم کرده تا با استفاده از خلاء شخصیت راهبردی و استراتژیک ایران در پرونده­های منطقه­ای به دنبال محدود کردن حضور و نفوذ نیروهای ایرانی در سوریه باشد.

**4\_1\_2\_معرفی روسیه به حافظ امنیت متحدان منطقه­ای**

بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده آمریکا مهمترین بازیگر ثبات ساز در منطقه غرب آسیا بوده است بنابراین ادراکی که از آمریکا به ویژه بعد از جنگ دوم خلیج فارس و اخراج عراق از کویت توسط نیروهای ائتلاف بین­المللی با محوریت آمریکا در اذهان رهبران عربی منطقه ایجاد شده است، آمریکا قدرتی امنیت ساز بوده است.

اما هزینه­های سنگین دو جنگ بزرگ این کشور در افغانستان و عراق و روی کار آمدن دونالد ترامپ در سال 2016 با رویکردی تجاری که همه پدیده­ها حتی امنیت را از دید تجاری می­نگریست، سبب خدشه دار شدن تصویر آمریکا شد و تحولات منطقه در دوره ترامپ، خدشه جدی­تری بر ادراک رهبران عربی از آمریکا وارد کرد.

خروج آمریکا از برجام، حمله به نیروهای رسمی حشدالشعبی، ترور یک مقام رسمی ایرانی که به دعوت نخست وزیر این کشور در عراق به سر می­برد و تهییج ایران به موشک باران پایگاه­های این کشور، غرب آسیا را به سوی بی­ثباتی و هرج و مرج افسار گسیخته­ای کشاند که در دید بسیاری از رهبران عربی متضمن تهدیدات جدی برای همه منطقه است. آمریکا در ماه­های منتهی به شهادت سردار سلیمانی، متحدی قابل اعتماد و ثبات ساز نبود بلکه خود یک طرف تنش به شمار می­آمد. در این شرایط حضور مقتدارانه رئیس جمهور روسیه در پایتخت یک کشور عربی درگیر بحران و حضور در کنار رئیس جمهور قانونی آن و تاکید بر نقش روسیه در بازگرداندن امنیت به خیابان­های دمشق در واقع تلاش وی برای ایجاد ادراک قدرت ثبات ساز و فروشنده بدیل کالای امنیت در نبود ایالات متحده آمریکا است(Ritter, 2020: 1).

**4\_1\_3\_ احیای جایگاه روسیه در غرب آسیا در تراز قدرتی جهانی**

راهبرد روسیه در غرب آسیا مبتنی بر بازگرداندن جایگاه خود به عنوان یک کارگزار قدرت جهانی بوده است(Frolovskiy, 2019: 2). وقوع تحولات مهمی نظیر ظهور اسلام رادیکال و واکنش آمریکا به این رخداد که یادآور جنگ­های صلیبی بوده، حمله آمریکا به عراق و تداوم جنگ و بحران در این کشور، تغییر موازنه قدرت در خلیج فارس و همچنین از بین رفتن نفوذ آمریکا و دشمنی فزاینده نسبت به واشنگتن، واقعیت­های جدیدی است که منجر به ایجاد تمایل در محیط عربی مبنی بر احیای نظم جهانی دو قطبی شده است. نظمی که روسیه در آن نقش برجسته­ای ایفا می­کند.

نمایش حضور روسیه در این مقطع در پرونده­های منطقه­ای از جمله پرونده سوریه، پاسخ مناسبی به خواست شکل گرفته در منطقه بوده که پوتین در پرتو سفر به دمشق به دنبال تحقق آن و ارتقا جایگاه روسیه به سطح قدرتی جهانی است(Svetlova, 2020: 4).

**4\_1\_4\_ممانعت از تزلزل روحیه نیروهای نظامی سوری در جنگ ادلب**

سردار سلیمانی نقش مهمی در هماهنگی میدانی نیروهای سوری، روس و خارجی در نبرد با تروریست­های معارض دولت قانونی سوریه داشت. ایشان در نظر رهبران روسیه به عنوان استراتژیستی عملگرا شناخته می­شد که در مناطق حساس جنگی حاضر می­شد و رهبری عملیات را در دست می­گرفت. به شهادت رسیدن ایشان در حمله پهپادی آمریکا، نشانه تضعیف متحدان دولت قانونی سوریه از جمله روسیه تلقی می­شود و بخشی از سفر پوتین به سوریه با هدف پوشش این چالش و تقویت جبهه دولت سوریه در برابر معارضان صورت پذیرفته است(Opiyo, 2020: 2).

**4\_1\_5\_مانور حمایت همه جانبه مسکو از دمشق**

سوریه از دوران جنگ سرد به شکل مشخص از سال 1956 روابط راهبردی با روسیه برقرار کرده است. در این سال براثر بروز بحران کانال سوئز و نگرانی حافظ اسد نسبت به برهم خوردن موازنه در برابر رژیم صهیونیستی و ترکیه، از مسکو کمک خواست. همکاری­های اولیه دمشق\_مسکو به آموزش خلبانان و افسران نیروی هوایی سوریه محدود می­شد اما به تدریج در سال 1971 با ارسال ناوها و زیردریایی­های جنگی روسی به بنادر استراتژیک طرطوس، سطح همکاری­ها ارتقاء یافت به گونه­ای که در دوره جنگ سرد، شوروی مهمترین تامین­کننده تسلیحات سوریه شد. این روابط با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ادامه داشته است، بنابراین طبیعی است که با آغاز بحران در یکی از متحدان سنتی به حمایت از آن اقدام نماید(Menon & Spitzer, 2019: 3).

**4\_2\_سطح بین­المللی**

اهداف پوتین از سفر به روسیه در سطح بین­المللی به شرح زیر است:

**4\_2\_1\_نمایش قدرت روسیه در برابر آمریکا**

سفر ولادیمیر پوتین نه تنها با شهادت سردار سلیمانی همزمان شده بلکه با تصویب قرار خروج نیروهای ائتلاف بین المللی و آمریکا در پارلمان عراق به عنوان کشوری که از سال 2003 بیشترین همکاری را با آمریکا داشته و میزبان بیش از پنج هزار نیروی نظامی این کشور بوده، همزمان شده است. به شهادت رساندن نیروهای حشد، نقض حاکمیت عراق و به شهادت رساندن یکی از قهرمانان مبارزه با تروریسم و همچنین مهمان دولت این کشور، وقایعی بود که روحیه ضدآمریکایی را در منطقه تشدید و جایگاه آن را در منطقه متزلزل کرده است. در این شرایط حضور پوتین در دمشق، مانور قدرت روسیه در برابر ایالات متحده آمریکا به شمار می­آید.

**4\_2\_2\_چانه زنی با اروپا و آمریکا در ماجرای اوکراین و تحریم­های بین­المللی**

خلاء وجود سردار سلیمانی به عنوان چهره کلیدی نفوذ منطقه­ای جمهوری اسلامی ایران در سوریه، فرصت مناسبی در اختیار روسیه قرار داده است تا ضمن نمایش قدرت خود در این کشور، نقش ایران را در فرآیند تثبیت قدرت سیاسی سوریه کمرنگ یا محروم نماید و در پی افزایش نفوذ خود، از نگرانی غرب نسبت به گسترش ناامنی به اروپا، وخیم­تر شدن بحران مهاجران، دغدغه­های آمریکا درخصوص امنیت رژیم صهیونیستی و نگرانی از حضور ایران در سوریه جهت امتیازگیری در پرونده­هایی مانند تحریم­های بین­المللی، بحران شرق اوکراین و همچنین بحران کریمه استفاده نماید(Dougherty, 2013: 1).

**4\_2\_3\_گسترش تجارت تسلیحات در منطقه**

اهداف روسیه در قبال سوریه صرفا ناظر به گذشته نیست. از سال 2015 به این­سو که حضور ارتش روسیه در سوریه شکل رسمی­تری به خود گرفت، روسیه امیدوار است بتواند بازار فروش تسلیحاتی­اش را با نمایش کارآمدی آن­ها در جنگ داخلی سوریه، رونق بخشد و بتواند درآمدهای بیشتری در این حوزه کسب نماید. شایان ذکر است حضور نیروی هوایی روسیه در جنگ سوریه تاثیر چشمگیری بر فروش تسلیحات روسی به ویژه جنگنده­های سوخو30 و سوخو 35، موشک­ها و پدافند هوایی آن داشته است(Isachenkov, 2017: 1).

**5\_پیامدهای سفر پوتین به دمشق پس از شهادت سردار سلیمانی بر جایگاه ایران در سوریه**

پیامدهای سفر پوتین به سوریه برای جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر است:

**5\_1\_افزایش وزن روسیه در تحولات سوریه**

سوریه از دوران حاکمیت حزب کمونیست شوروی حیطه نفوذ روسیه بوده است که در دوره پس از فروپاشی نیز وابستگی سوریه به روسیه برجای خود باقی مانده است. ساختار سیاسی حزب بعث و ساختار نظامی این کشور همچنان از مدل روسی تبعیت می­کند. به همین دلیل گرچه در بحران سوریه، ایران و روسیه در کنار یکدیگر علیه مخالفین و تروریست­ها جنگیده­اند اما در بلندمدت، نفوذ ایران رقیبی برای روسیه به شمار می­رود و سفر غیر منتظره پوتین پس از شهادت سردار سلیمانی به سوریه و تاکید بر نقش روسیه در بازگرداندن امنیت به این کشور می­تواند تلاش این کشور برای مصادره پیروزی­های مقاومت در دوران بحران جهت بهره­برداری در دوران تثبیت باشد.

**5\_2\_تضعیف جایگاه ایران در مذاکرات آستانه**

با شهادت سردار سلیمانی و تضعیف نیروهای مقاومت در میدان نظامی سوریه، پشتوانه لازم جهت پیشبرد منافع ملی مقاومت در مذاکرات آستانه کاهش یافته و امکان کنشگری بیشتری به روسیه و ترکیه خواهد داد.

**5\_3\_برهم خوردن موازنه بین ایران و رژیم صهیونیستی در سوریه**

با اعمال فشارهای تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران و شهادت سردار سلیمانی، رژیم صهیونیستی حملات علیه نیروها و متحدان ایرانی در سوریه را شدت بخشیده است. در این شرایط با توجه به روابط نزدیکی که رژیم صهیونیستی با دولت روسیه دارد و همسویی که بین صهیونیست­ها و دولت روسیه در ماجرای ایجاد مناطق کاهش تنش در اطراف جولان نشان دادند خطر تضعیف نیروهای ایرانی در مناطق شرقی سوریه در گذرگاه کلیدی بوکمال و تقویت موضع رژیم صهیونیستی وجود دارد. در این راستا می­توان به افزایش حملات رژیم صهیونیستی علیه مواضع نیروهای متحد ایران در سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی اشاره کرد(Ahronheim & Joffre, 2020: 2).

**5\_4\_استفاده از ابزار اقتصادی برای فشار به بشار اسد جهت همراهی با کاهش نفوذ ایران در سوریه**

بشار اسد و حلقه نزدیکان وی روابط نسبتا خوبی با جمهوری اسلامی ایران دارند و به دلیل نیازی که برای بقا در دوران تثبیت به حمایت­های جمهوری اسلامی ایران دارد، نمی­تواند با راهبردهای روسیه مبنی بر موازنه نفوذ ایران همراهی کامل داشته باشد. به همین علت، استفاده از ابزار اقتصادی و ایجاد بی­ثباتی در زمینه بهای انرژی و ارز جهت گسترش نارضایتی در میان مردم به ویژه علویان که پایگاه سنتی قدرت دولت بشار اسد محسوب می­شوند جهت همسو کردن بشار اسد با راهبرد موازنه سازی نفوذ ایران در دستور کار بازیگران درگیر در بحران سوریه قرار گرفته است.

**6\_سناریوهای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در آینده سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی**

در ادامه سه سناریو محتمل درخصوص آینده جایگاه ایران در سوریه پس از شهادت سردار سلیمانی و در پرتو راهبردهای روسیه در قبال این بحران بررسی می­شود.

**6\_1\_سناریو اول: کاهش حضور ایران در سوریه**

براساس سناریوی اول، باتوجه به اینکه نفوذ ایران در منطقه از جمله در سوریه، مرهون توانایی­های راهبردی سردار سلیمانی و ارتباطاتی بود که ایشان در 22 سال در محیط عربی ایجاد نموده بود و بحران داخلی سوریه نیز مراحل پایانی فرآیندهای نظامی را سپری می­کند و با آزادسازی ادلب از نقش نیروهای نظامی در این کشور کاسته خواهد شد، رقابت­های بازیگران منطقه­ای و بین­المللی به حوزه سیاسی تسری خواهد یافت.

این امر در حالی صورت می­پذیرد که نقطه قوت جمهوری اسلامی ایران در سوریه، پیروزی­های میدانی بوده و قبل از شهادت سردار سلیمانی آمریکا، رژیم صهیونیستی و جریان عربی با ابزارهایی نظیر تحریم­های شدید اقتصادی تلاش داشتند نقش ایران در آینده سیاسی سوریه را محدود نمایند.

در این شرایط شهادت سردار سلیمانی تا زمان تثبیت فرماندهی جدید نیروی قدس، تزلزلی در نیروهای ایرانی و متحدین ایران در عرصه میدانی سوریه ایجاد خواهد نمود که ضعف سیاسی جایگاه ایران را در مذاکرات آتی تشدید خواهد کرد. سفر غیرمنتظره ریاست جمهوری روسیه به سوریه نیز با هدف بهره­برداری از شرایط حادث شده و تضعیف هرچه بیشتر ایران در دوران تثبیت قدرت در سوریه بوده است.

آنچه می­تواند سناریوی فوق را تقویت نماید اول؛ وزنی است که اروپا و آمریکا در سیاست خارجی روسیه دارند و اولویتی است که این کشور برای این بازیگران در برابر ایران قائل است. دوم؛ روابط خوب روسیه با رژیم صهیونیستی و سفرهای مکرر سران این رژیم به مسکو است. در این خصوص باید به نگرانی­های پوتین نسبت به خواست­های اقلیت یهودی مستقر در روسیه و به ویژه سفر وی به اراضی اشغالی پس از شهادت سردار سلیمانی نیز اشاره نمود. سوم؛ رویکرد غالب در سیاست خارجی روسیه به عنوان یک ابرقدرت جهانی جهت حفظ روابط با همه بازیگران در منطقه­ است که آن را به تامین منافع سایر بازیگران منطقه سوق می­دهد. چهارم؛ ممانعت روسیه از قانونی شدن حضور نیروهای متحد ایران در پارلمان سوریه است.

پیامدی که این سناریو برای جمهوری اسلامی ایران در بر خواهد داشت تقویت موضع روسیه در سوریه و تسریع روند خروج تدریجی نیروهای وابسته به ایران از خاک سوریه است. در این راستا شهادت سردار سلیمانی به عنوان یکی از ستون­های قدرت منطقه­ای ایران، به تسریع این روند خواهد انجامید.

تحقق این سناریو به روسیه کمک خواهد کرد در بحران تحریم­های اتحادیه اروپا، موضوع کریمه و شرق اوکراین و همچنین بحران لیبی از کشورهای آمریکا، اتحادیه اروپا، کشورها خلیج فارس و ترکیه امتیازگیری کند.

البته با توجه به حضور میدانی قدرتمند ایران در سوریه، تلاش هوشمندانه ایران جهت تسری نفوذ از حوزه نظامی به حوزه­های اقتصادی و سیاسی مانند انعقاد چندین قرارداد تجاری درخصوص بندر لاذقیه با دولت سوریه، وجود مشکلات ساختاری در نظام سوریه بعد از پایان جنگ داخلی که شامل بحران­های داخلی و همچنین نگرانی نسبت به راهبردهای خصمانه همسایگان می­شود و همچنین نیاز روسیه به حفظ روابط با ایران به عنوان ابزاری جهت تسهیل نفوذ به دیگر پرونده­های منطقه و همچینین ابزار چانه­زنی در برابر غرب، هر دو کشور روسیه و سوریه به تداوم حمایت و همکاری ایران نیاز دارند و تحقق سناریو خروج کامل ایران از سوریه دور از انتظار است.

**6\_2\_سناریو دوم: افزایش حضور ایران در سوریه**

سناریوی دوم شامل پایبندی روسیه به همکاری راهبردی با ایران جهت حل پرونده سوریه می­شود. این سناریو که خوشبینانه ترین و مطلوب­ترین سناریو برای جمهوری اسلامی ایران است بر حفظ و گسترش همکاری ایران و روسیه در سوریه و پایبندی روسیه به سابقه نه سال همکاری راهبردی در بحران سوریه اشاره دارد. براین اساس توانمندی­های منطقه­ای جمهوری اسلامی ایران در خلاء وجود سردار سلیمانی حفظ خواهد شد و روسیه و سوریه به دلیل نیازی که به جمهوری اسلامی ایران در حل بحران سوریه دارند، تلاشی جهت تضعیف ایران در این عرصه نخواهند نمود. در این شرایط با توجه به پایان عملیات میدانی، حضور نظامی ایران به حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تسری یافته و افزایش می­یابد.

تحقق این سناریو با توجه به فضای رقابتی در بحران سوریه، گذر بحران سوریه از مرحله نظامی به فرآیندهای سیاسی دوران تثبیت، الزامات روسیه در محیط غرب آسیا و همچنین بین­الملل و عدم تمایل حزب بعث سوریه به از دست دادن حمایت ایران در شرایطی که بیشترین تنش را با همسایگانش همچون رژیم صهیونیستی و ترکیه تجربه کرده است، نیز دور از ذهن به نظر می­رسد.

**6\_3\_سناریو سوم: تثبیت حضور ایران در تحولات آتی سوریه**

براساس این سناریو گرچه با شهادت سردار سلیمانی، موضع ایران در سوریه به شکل موقت تضعیف شده و روسیه نیز با توجه به رویکردی که به عنوان قدرتی جهانی در سیاست خارجی در پیش گرفته است و به تبع آن، به دنبال استفاده از فرصت خلاء شهادت سردار سلیمانی جهت تضعیف و کنترل جایگاه نظامی و به تبع آن سیاسی جمهوری اسلامی ایران در سوریه است اما نیاز ساختاری دولت سوریه به ایران جهت حل بحران­های دوران بازسازی همواره ادامه خواهد داشت. این نیاز در شرایط قبل از بحران داخلی سوریه وجود داشت و اکنون که هسته­های شورش در داخل این کشور فعال هستند و روابط سوریه با همسایگان نیز دچار تنش شده تشدید خواهد شد.

روسیه نیز نه تنها در سوریه بلکه در دیگر پرونده­های منطقه غرب آسیا، به همراهی ایران نیاز دارد بنابراین گرچه باتوجه به نبود سردار سلیمانی و نگرانی روسیه از بابت خواست­های رژیم صهیونیستی و همچنین دیگر بازیگران منطقه­ای و بین­المللی، خواستار محدود کردن نفوذ ایران در سوریه خواهد بود و ممکن است برای وادار کردن بشار اسد به عنوان مهمترین بازیگر سیاسی روسیه که روابط خوبی با جمهوری اسلامی ایران دارد، به همراهی با مهار نیروهای نظامی ایران از خاک سوریه از ابزار اقتصادی استفاده می­شود که شامل افزایش بهای حامل­های انرژی و بی­ثباتی بازار ارز می­شود و می­تواند دولت سوریه را با تهدید نارضایتی عمومی مواجه سازد، اما جایگاه ایران در تحولات کنونی سوریه مانع از موفقیت راهبرد حذف ایران از پرونده سوریه خواهد شد چرا که ایران باعث شده مهمترین هدف راهبردی روسیه در منطقه که ایجاد فاصله بین آمریکا و متحدانش در غرب آسیا است، متحقق شود. در واقع ایران نقش مهمی در تحقق راهبردهای روسیه در سطح منطقه بازی می­کند(Talbott & Tennis, 2020: 1\_3). بنابراین در چنین شرایطی، نفوذ کنونی ایران در سوریه تثبیت می­شود.

براساس این سناریو، چه روسیه و چه سوریه برای حل بحران داخلی به حمایت­های ایران نیاز دارند و قطع حمایت ایران خواست و مطلوب نظام سیاسی سوریه نیست اما موازنه نفوذ ایران با نیروهای روسی و دیگر بازیگران موثر منطقه­ای و بین­المللی و تثبیت نقش میدانی، سیاسی و اقتصادی کنونی ایران در سوریه( و ممانعت از افزایش حضور و نفوذ ایران) متحقق می­شود. باتوجه به شرایط موجود و عملکرد پوتین در سفر به سوریه و آمادگی برای سفر به اراضی اشغالی، این سناریو محتمل­ترین سناریو است.

**7-نتیجه‌‌گیری**

روابط بین واشنگتن و تهران از زمان آغاز جنگ داخلی سوریه وخیم­تر شده است که با خروج رئیس جمهور سابق آمریکا دونالد ترامپ از توافق هسته­ای، تنش­ها بین دو کشور افزایش یافت. در مقابل روسیه و ایران از طریق همکاری­های نظامی در سوریه به یکدیگر نزدیک شدند. گسترش نفوذ مسکو در سوریه حاکی از آن است که درگیری بین ایالات متحده و ایران می­تواند قدرت و اعتبار روسیه در منطقه را ارتقاء دهد.

مساله­ای که در پی به شهادت رساندن سردار سلیمانی توسط نیروهای آمریکایی در بغداد محقق شد و این فرصت را برای روسیه فراهم کرد که طی سفر به سوریه، ایالات متحده آمریکا را به عنوان قدرتی متجاوز، تنش­آفرین و غیرقابل اعتماد در نزد بازیگران منطقه­ای و بین­المللی به تصویر بکشد و به این ترتیب، بستر را برای احیاء نفوذ خود در منطقه به ویژه سوریه فراهم نماید.

شایان ذکر است افزایش نفوذ روسیه در سوریه با محدود کردن نفوذ ایران در این کشور همراه خواهد بود چرا که راهبرد روسیه در غرب آسیا مبتنی بر رویکرد نوواقع­گرایی، جایگزینی ایالات متحده در منطقه است. به این ترتیب، ایجاد اتحادی مشابه اتحادهای سنتی کشورهای منطقه با آمریکا در دستورکار روسیه قرار دارد و نتیجه آن، تلاش جهت مرتفع کردن نگرانی­های رژیم صهیونیستی، ترکیه، عربستان سعودی و همچنین قدرت­های اروپایی از نفوذ ایران در سوریه است. استفاده از ابزار اقتصادی برای فشار به دولت سوریه و وادار کردن آن به همراهی با روسیه در تلاش برای کنترل حضور نظامی ایران در همین راستا صورت می­پذیرد.

در این شرایط، روسیه ضمن حفظ همکاری با ایران به دنبال موازنه­سازی نفوذ منطقه­ای جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دوران خلاء سردار سلیمانی خواهد رفت چرا که اقدامات ایالات متحده باعث تقویت رهبری روسیه در منطقه شده و مسکو احساس می­کند در صورت همکاری با همه کشورهای منطقه و حفظ ثبات در خاک سوریه که نیروهای روسی در آن حضور دارند در پرتو کنترل نفوذ ایران می­تواند جایگزین مناسبی برای آمریکا باشد. شایان ذکر است نقش مهم ایران در پیشبرد تحولات سوریه، متغیری است که نمی­توان از آن غافل شد و روسیه نیز قادر به نادیده گرفتن همکاری استراتژیک دو کشور در طول بحران سوریه نیست و همانگونه که گفته شد محتمل­ترین سناریو تثبیت حضور و نفوذ فعلی ایران در سوریه است. البته پیروزی جو بایدن دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری 2020 آمریکا و تشدید محذوریت­های بین المللی آمریکا می­تواند به تقویت جایگاه ایران در منطقه و سوریه کمک نماید. در ادامه به راهکارهایی پیشنهادی پرداخته می­شود.

* تثبیت فرماندهی جدید نیروی قدس در منطقه به ویژه در سوریه
* سفر مقامات سیاسی\_دیپلماتیک ایران به سوریه و یادآوری دستاوردهای ایران در جنگ سوریه
* استفاده از همکاری ایران و روسیه در دیگر پرونده­های منطقه­ای جهت تثبیت نفوذ در سوریه
* تسری نفوذ ایران از حوزه نظامی به حوزه­های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی
* قانونی کردن حضور نیروهای وابسته به ایران در سوریه
* حمایت از دولت سوریه برای تثبت بازار انرژی و ارز
* بهره­برداری از شکاف روسیه\_ترکیه

**منابع فارسی**

* ویلیامز، پل(1392)، **درآمدی بر بررسی های امنیت**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات امیر کبیر.
* حیدر پور، ماشالله، یاسینی، سید مهدی، کیانی، داود(1397)، اهداف و راهبرد امنیتی روسیه در قبال بحران سوریه، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره 84.
* حاجی یوسفی، امیر (1392)،سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امورخارجه.
* داودی، مهدی، (1396)، **سیاستگذاری خارجی در فدراسیون روسیه**، تهران: نشر مخاطب.
* دهقانی فیروز آبادی،سید جلال(1391)، **نو واقع گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه سیاست خارجی، شماره1.
* دهشیری، محمدرضا، گلستان، مسلم (1395)، الگوی رفتاری قدرت‌های بزرگ در مدیریت بحران بین المللی سوریه در نظام تک\_چندقطبی، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی**، دوره 8، شماره 28.
* شاد، محمد، (1396)، **ایران در هندسه سیاست خارجی روسیه**، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
* شهرکی، ماهرخ(1398)، رویکرد روسیه در قبال نظم امنیتی غرب آسیا**(2010-2018)، فصلنامه علوم سیاسی**، شماره48.
* عسگریان، حسین، (1394)، **چشم انداز روابط ایران و روسیه**، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
* کولایی، الهه و عابدی، عفیفه، (1397)**، جمهوری اسلامی ایران در ادراک رهبران روسیه،** تهران: انتشارت جهاد دانشگاهی.
* کیانی، داوود، خان محمدی، زهره(1396)، سیاست غرب آسیا ای روسیه از 2015- 2011، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، شماره2.
* لیتل، ریچارد (1389)،تحول در نظریه‌های موازنه قوا، ترجمه: غلامعلی چگنی زاده، تهران: موسسه فرهنگی و تحقیقات بین الملل ابرارمعاصر.
* هنسن، برت، ویول، آندره ، تافت، پتر( 1390**)، راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی**، ترجمه: سید امر نیاکویی و احمد جانسیز، رشت: انشارات دانشگاه گیلان.

**منابع اینترنتی**

* Debinski, Gabrielle(January 03, 2020), "Who was General Qassim Suleimani?", Available at: [**https://www.gzeromedia.com/who-is-general-qassim-suleimani**](https://www.gzeromedia.com/who-is-general-qassim-suleimani).
* Bassam, Laila & Perry, Tom(OCTOBER 6, 2015), "How Iranian general plotted out Syrian assault in Moscow", Available at:[**https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-soleimani-insigh/how-iranian-general-plotted-out-syrian-assault-in-moscow-idUSKCN0S02BV20151006**](https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-soleimani-insigh/how-iranian-general-plotted-out-syrian-assault-in-moscow-idUSKCN0S02BV20151006).
* Deutsche Welle,( January 3, 2020), "Qassem Soleimani: Timeline of events following Iranian general's assassination", Available at: [**https://www.dw.com/en/qassem-soleimani-timeline-of-events-following-iranian-generals-assassination/a-51910195**](https://www.dw.com/en/qassem-soleimani-timeline-of-events-following-iranian-generals-assassination/a-51910195).
* AHARONSON, MICKY & MANSOUR, AIMAN(JANUARY 15, 2020), "Vladimir Putin’s surprise visit to Syria delivered an unequivocal message", Available at: [**https://www.jpost.com/Opinion/Vladimir-Putins-surprise-visit-to-Syria-614181**](https://www.jpost.com/Opinion/Vladimir-Putins-surprise-visit-to-Syria-614181)**.**
* Aljazeera, (7 Jan 2020), "Putin meets Assad in rare Syria visit amid US-Iran tensions", Available at: [**https://www.aljazeera.com/news/2020/01/putin-meets-assad-rare-syria-visit-iran-tensions-200107150701410.html**](https://www.aljazeera.com/news/2020/01/putin-meets-assad-rare-syria-visit-iran-tensions-200107150701410.html).
* Menon, Rajan & Spitzer, Bernard, (NOVEMBER 18, 2019), "Russia Is Losing in the Middle East and Around the World", Available at: **<https://foreignpolicy.com/2019/11/18/vladimir-putin-russia-losing-power-middle-east-central-asia-africa-eastern-europe/>**.
* Peck, Michael, (January 12, 2020), " Could Syria Cause Russia and Israel to Go to Nuclear War?", Available at: [**https://nationalinterest.org/blog/buzz/could-syria-cause-russia-and-israel-go-nuclear-war-112956**](https://nationalinterest.org/blog/buzz/could-syria-cause-russia-and-israel-go-nuclear-war-112956).
* GROSS, JUDAH ARI, (4 December 2019), "", Available at: [**https://www.timesofisrael.com/airstrikes-target-iranian-weapons-stores-in-eastern-syria-report/**](https://www.timesofisrael.com/airstrikes-target-iranian-weapons-stores-in-eastern-syria-report/).
* Ritter, Scott, (January 14, 2020), "What Putin Really Wants in Syria", Available at: [**https://www.globalresearch.ca/putin-christmas-visit-damascus/5700396**](https://www.globalresearch.ca/putin-christmas-visit-damascus/5700396).
* SVETLOVA, KSENIA, (11 January 2020), "A turbulent decade sees Moscow’s star shine brightly in the Middle East", Available at: [**https://www.timesofisrael.com/a-turbulent-decade-sees-moscows-star-shine-brightly-in-the-middle-east/**](https://www.timesofisrael.com/a-turbulent-decade-sees-moscows-star-shine-brightly-in-the-middle-east/).

* Opiyo, Levin, (11 JANUARY 2020), " The Agenda Behind Putin’s Secret Visit to Syria", Available at: [**https://www.insideover.com/politics/the-agenda-behind-putins-secret-visit-to-syria.html**](https://www.insideover.com/politics/the-agenda-behind-putins-secret-visit-to-syria.html).
* Dougherty, Jill, (September 12, 2013), " Analysis: Putin scores diplomatic win on Syria", Available at:[**https://www.cnn.com/2013/09/12/politics/syria-putin-analysis/index.html**](https://www.cnn.com/2013/09/12/politics/syria-putin-analysis/index.html).
* Isachenkov, Vladimir, (August 30, 2017), " Russia hoping to boost arms sales after Syrian usage", Available at: [**https://www.defensenews.com/global/asia-pacific/2017/08/30/russia-hoping-to-boost-arms-sales-after-syrian-usage/**](https://www.defensenews.com/global/asia-pacific/2017/08/30/russia-hoping-to-boost-arms-sales-after-syrian-usage/)**.**
* AHRONHEIM, ANNA & JOFFRE, TZVI, (JANUARY 15, 2020), " Three pro-Iranian militia fighters killed in strike on T4", Available at: [**https://www.jpost.com/Breaking-News/Syrian-air-defenses-activated-after-airport-near-Homs-struck-614187**](https://www.jpost.com/Breaking-News/Syrian-air-defenses-activated-after-airport-near-Homs-struck-614187).
* Talbott, Strobe & Tennis, Maggie, (January 9, 2020), "", Available at: [**https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2020/01/09/the-only-winner-of-the-us-iran-showdown-is-russia/**](https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2020/01/09/the-only-winner-of-the-us-iran-showdown-is-russia/)**.**

1. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه رازی، نویسنده مسئول(m.naseh67@gmail.com) [↑](#footnote-ref-1)
2. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه اصفهان(mahnaz.gudarzi@gmail.com) [↑](#footnote-ref-2)
3. Structural Realism [↑](#footnote-ref-3)
4. Kenneth Neal Waltz [↑](#footnote-ref-4)